

# تفسیر سوره همزه (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳) كَلَّا  
لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵) نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلِعُ  
عَلَى الْأَفْنِدَةِ (۷) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸) فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

وای بر هر عیبجوی غیبت کننده‌ای، (۱) که مالی فراهم آورده و آن را پی در پی شمرده است؛ (۲) چون می‌پندارد که ثروتش مرگ را از او دور کرده و جاودانه‌اش ساخته است. (۳) چنین نیست، مرگ او فرا خواهد رسید و قطعا در آن آتش شکننده افکنده خواهد شد. (۴) و چه چیزی تو را آگاه کرده است که آن آتش شکننده چیست؟ (۵) آتش برافروخته خداست، (۶) که بر دل‌ها چیره می‌شود و جان آدمیان را می‌سوزاند. (۷) آن آتش بر آنان در بسته خواهد بود و راه خلاصی از آن نخواهند داشت. (۸) این در حالی است که آنان در ستون‌هایی بسیار دراز به بند کشیده شده‌اند. (۹)

### شناسهٔ سوره

نام این سوره همانطور که معروف شده هُمَزَةٌ است. همزه یعنی بسیار عیب جو و بسیار طعنه زن. صیغه مبالغه هست. آن کسی که خیلی عیب جو است. عیب است و خیلی طعان است. طعنه می‌زند و این صفت به صورت ملکه نفسانی در آن در آمده و من ابتدا یک توضیحی درباره نامگذاری سوره‌ها عرض بکنم از جمله این سوره که این نکته و مقدمه برای همه سوره‌ها و نام همه سوره‌ها جاری و صدق می‌کند.

برخی‌ها تصور می‌کنند که نام سوره‌ها توقیفی است؛ یعنی نام سوره‌های قرآن را خداوند متعال معین کرده از طریق جبرئیل به پیامبر بزرگوار فرموده و حضرت این نام‌ها را برای این سوره‌ها انتخاب کرده است. اما این قول در واقع قول مدللی نیست. قول موجّهی نیست. دلیل روشنی برای این ادعا نداریم.

## اسامی سوره؛ توقیفی یا اجتهادی

آنچه که روایات و تاریخ هم تایید می کند این است که نام این سوره ها در اثر کثرت کاربرد و کثرت استعمال در واقع به وجود آمده است. **عَلَّمَ بِالْغَلْبَةِ** شده است. یعنی همین سوره همزه را چون مسلمان ها موقعی که این سوره نازل شد، این سوره را با همین نام یاد می کردند و می گفتند سوره همزه را حفظ کن یا سوره همزه را حفظ کردم یا سوره همزه را بخوان چون خودشان این واژه را و این نام را در اثر گفتگوهایشان به صورت استعمال به کار بردند این نام همزه در واقع معین شد برای این سوره.

یا اسم فیل برای سوره فیل چون به همین شکل بوده و اینطور نبوده که خداوند متعال بفرماید نام این سوره را بگذارید فیل، نام این سوره را بگذارید قُریش، نام این سوره را بگذارید سوره بقره یا آل عمران. نام گذاری هم در عصر بعثت پیامبر اکرم توسط همین صحابه و مسلمین صورت می گرفته و البته در منظر پیامبر بزرگوار اسلام. یعنی پیامبر بزرگوار یک سوره ای را به همان نام می نامیده که مسلمان ها و صحابه می نامیدند.

صحابه هم معمولا به یکی از این چند روش نام را انتخاب می کردند برای یک سوره. گاهی وقت ها اسمی که در یک سوره آمده یا موضوع محوری آن سوره را انتخاب می کردند برای آن سوره و نام آن سوره را بر اساس همان اسم یا موضوع محوری قرار می دادند؛ مثل سوره بقره؛ چون داستان بقره بنی اسرائیل و ذبح بقره و اینها در این سوره آمده و مسلمان ها این واژه بقره را انتخاب کردند برای این سوره یا چون مساله آل عمران در سوره آل عمران مطرح شده و خداوند آیاتی را درباره عمران و آل عمران آورده؛ لذا این واژه را برای این سوره را انتخاب کردند.

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید که به همین دلیل در آن قرآنهاي کهن، آن قرآن های قدیمی نام این سوره ها اینطور بوده به جای اینکه بگویند سوره فیل یا به جای اینکه بگویند سوره آل عمران، می گفتند **سوره تُذَكِّرُ فِيهَا** البقره **سوره تُذَكِّرُ فِيهَا آل عمران**؛ سوره ای که در این سوره از بقره سخن گفته شده است سوره ای که در این سوره از آل عمران سخن گفته شده است. گاهی وقت ها هم نه، یک جمله اولیه هر سوره را اولین جمله از هر سوره را انتخاب می کردند و او را به عنوان آن سوره قرار می دادند؛ مثلا می گفتند سوره اقرا باسم ربک یا سوره انا انزلناه در واقع یک جمله از سوره انا انزلناه را برداشتند و او را به عنوان نام آن سوره قرار دادند.

گاهی وقت ها هم نه، آن خاصیت آن سوره یا وصف اساسی آن سوره را که در روایات آمده بود را انتخاب می کردند و به عنوان نام آن سوره قرار می دادند مثل سوره اخلاص، سوره توحید. بنابراین صحابه و مسلمان ها در صدر اسلام بر اساس یکی از روش ها نام سوره ها را انتخاب می کردند و همان رایج می شد و در اثر کثرت استعمال در واقع می شد **عَلَّمَ بِالْغَلْبَةِ**. اینطور نبوده است که نام سوره ها را خداوند متعال انتخاب بکند یا پیامبر بزرگوار اسلام انتخاب بکنند به طور جزما بفرماید که این سوره نامش این است و غیر از این نباید باشد.

### موضوع محوری سوره

نکته بعدی موضوع محوری این سوره است موضوع محوری این سوره عیب جویی است و عیب تراشی. ابتدا آن زشتی و نادرستی این ویژگی را بیان می کند. این سوره ی **وِیْلَ لَکُلِّ هَمَزَةٍ لَمَزَةٍ** شدت زشتی و قُبْحِ این عمل را بیان می کند. در ادامه علت و ریشه این رذیله اخلاقی را بیان می کند. چه چیزی باعث می شود بعضی ها به این رذیله اخلاقی دچار بشوند و در آخر سوره هم فرجام شوم این عیاب ها و این عیب جوها و طعنه زن ها را بیان می کند که اینها دچار عذاب هولناک و دردناکی می شوند.

### شان نزول

شان نزول هایی برای این سوره ذکر کردند که مثلا بعضی ها گفتند این سوره درباره یکی از مشرکین به نام **وَلِیْدِ بْنِ مَغیره** نازل شده چون خیلی عیب جویی می کرد از پیامبر بزرگوار اسلام. خیلی به حضرت طعنه می زد. خیلی حضرت را مسخره می کرد هم در روی حضرت و هم در پشت سر حضرت.

گروهی دیگر آن را درباره افراد دیگری مثل **أَبِیِّ بْنِ خَلْفٍ**، **أَخْنَسِ بْنِ شَرِیقٍ**، **جَمِیلِ بْنِ عَامِرٍ**، و **عَاصِ بْنِ وَائِلٍ** دانسته اند که سعی داشتند پیامبر را ترور شخصیت کنند. در اینجا بود که خداوند سوره همزه را نازل کرد.

### تفسیر آیه اول

#### هُمَزَةٌ

أَمَّا مُفَادُ سُوْرَةِ وَیْلِ لَکُلِّ هَمَزَةٍ لَمَزَةٍ؛ درباره واژه **وِیْلٍ** در سوره قبلی در سوره ماعون بحث کردیم و دیگر نیازی نیست بحث بکنیم که این واژه را تحلیل بکنیم. **هُمَزَةٌ** از **هَمَزٌ** است. **هَمَزٌ** به معنای کوبیدن و خرد کردن هست.

هُمَزَه صیغه مبالغه است. مثل هَمَّاز که می گوئیم آن هم صیغه مبالغه است. هُمَزَه یا هَمَّاز؛ یعنی کسی که خیلی دچار این عمل می شود خیلی دچار عیب جویی و عیب گویی می شود. این صفت کثرت نیست؛ کثرت بر آمده از یک خُبْثِ ذاتی است. خصلت برآمده از یک ملکه نفسانی است. در واقع عیب جویی و طعنه زدن و مسخره کردن اگر ملکه نفسانی کسی بشود به چنین کسی می گویند این هَمَّاز است یا هُمَزَه هست.

خُب این هَمَّاز یا هُمَزَه هم به معنای عیب گویی است. یک کسی عیب داشته باشد و انسان عیب او را فاش بکند در مقابلش یا پشت سرش یا اینکه نه، عیب هم ندارد و انسان عیبی برای او بتراشد؛ عیب تراشی می کند بر آن عیبی که آن فرد ندارد را در واقع به آن فرد نسبت بدهد و او را پخش بکند و شایع بکند در میان مردم. اینکه واژه هَمَز انتخاب شده که برای خرد کردن و کوبیدن هست. این رازش در این هست که می خواهد بگوید برخی که عیب جویی می کنند، طعنه می زنند، مسخره می کنند در واقع م یخواهد با این عملش شخصیت آن فرد را خرد بکند، و آبروی آن فرد را از بین ببرد، روحیه آن فرد را خرد بکند و او را بی آبرو و بی اعتبار بکند.

اینکه عرض کردیم که این واژه به معنای این نیست که لزوماً فردی عیبی داشته باشد و بخواهد بازگو بشود؛ نه؛ ممکن است این عیب هم ندارد ولی آن عیب را می تراشد و این واژه به کار میرود برای این کار زشت. شاهد مثالش هم آیه ۹۷ سوره مومنون هست که خطاب به پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید: وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ. ای پیامبر بگو من به پروردگار خودم، خدایا، پروردگارا، من به تو پناه می برم از همزات شیاطین.

هَمَزَات جمع همان همز به معنای عیب جویی هست؛ یعنی شیاطینی بودند از جن و انس در واقع عیب تراشی می کردند برای پیامبر بزرگوار اسلام. چون حضرت عیب که نداشتند، نقیصه اخلاقی و رفتاری که نداشتند. یک مطلبی را اتهام می زدند به پیامبر اکرم به عنوان یک عیب بعد همان را می رفتند در میان مردم پخش می کردند. قرآن می فرماید که خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرمود پناه ببر از این هَمَزَات چون این همزات اثر دارد ولو اثر موقتی دارد. اینها می گویند یک عیب هایی را می تراشند یا در میان مسلمین یا دیگران پخش می کنند. باعث می شود که حرمت تو خدشه پیدا بکند و آن عظمت تو و شوکت تو و اُبُهت تو به عنوان یک پیامبر لطمه ببیند.

حالا این شیاطین هم شیاطین انسی هستند مثل مشرکان مکه و هم شیاطین جنی هستند که آنها می آمدند یک عیب هایی را الهام می کردند به مشرکان مکه و آن مشرکان می رفتند آن را در میان مردم پخش می کردند. چون در قرآن کریم داریم که ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم (وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ

وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ : آیه ۱۲۱ سوره انعام) شیاطین جنّی بعضی از مطالب را به صورت وحی و به صورت الهام در قلب اولیائشان یعنی شیاطین انسی و در قلب مشرکان و منافقان القا می کردند و آن مشرکان و منافقان همان سخن و همان فکر ابلیس و شیاطین جنّی را می رفتند در میان مردم پخش می کردند.

## لُمَزَه

لُمَزَه هم باز صیغه مبالغه است. آن هم به معنای عیب جویی است و به معنای غیبت کردن است. منتهی زمانی که عیب جویی و غیب کردن به صورت ملکه نفسانی در آمده باشد به گونه ای که هر جا زمینه عیب جویی باشد یا عیب گویی باشد این فرد کانه بدون اختیار عیب جویی می کند.

هر جا که شرایط و زمان این باشد که عیب کسی را بگوید، فاش بکند یا اتهام بزند آن فرد بدون تامل و بدون درنگ عیب جویی می کند و آن عیب را پخش می کند. اینکه بین همزه و لمزه تفاوتی وجود دارد یا نه؟ برخی از مفسران مثل مرحوم طبرسی فرمودند نه، اینها به یک معنا هستند؛ هم هُمَزَه یعنی کسی که خیلی عیب جو و طعنه زننده هست و هم لُمَزَه یعنی کسی که خیلی عیب جو و طعنه زن هست.

اصل این حرف درست است؛ به این معنا که گاهی وقت ها در قرآن لمزه به کار رفته و به معنای عیب جویی و طعنه زنی است؛ یعنی در همان معنایی که هُمَزَه هست به کار رفته است. اما در آیاتی که این دو واژه در کنار هم می آیند این نشان می دهد که دو تا ویژگی است و یک تفاوتی با هم دارند، بدون تفاوت نمی تواند باشد. اگر بگوییم که هیچ تفاوتی بین همزه و لمزه نیست، باید بگوییم لمزه یعنی تاکید است؛ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ هُمَزَةٍ در واقع بوده است. برای اینکه این همزه تکرار نشود لُمَزَه را آورد که تاکید بکند. به همین خاطر بعضی از مفسران تفاوت هایی قائل شده اند بین این دو واژه و حق هم با این مفسران هست. در این سوره ، در این سوره ای که دو واژه در کنار هم آمده خصوصا که واو عطف هم در میانشان نیست، نمی توانیم بگوییم تاکید هست.

## تفاوت همزه و لمزه

خُبُّ تَفَاوُتٍ دَرِ چِیَسْتِ؟ بَرَحِی هَا گَفْتَنَدَ کِه هُمَزَه یَعْنِی اَیْنِکِه عِیْب اَفْرَاد رَا پِشْت سِر اَنسَان بَگَوِیْد وَ لُمَزَه یَعْنِی اَن کَسَانِی کِه عِیْب اَفْرَاد رَا دَر مَقَابِلَشَان مِی گَوِیْنَد. بعضی ها گفتند نه؛ هُمَزَه یعنی کسی که با زبان، عیب را

می گوید. لُمَزَه یعنی کسی که با چشم و اشاره و آبرو مثلا با سر و اینها عیب کسی را فاش می کند و به دیگران منتقل می کند. براساس این تفاوت در این معانی که مفسران کردند معنای این آیه این است که هلاک باد و عذاب الیم در انتظار آن عیب جوینانی است که هم در مقابل افراد عیب جویی می کنند هم پشت سرشان عیب جویی می کنند. هم عیب افراد، عیب داشته شان، را می گویند و فاش می کنند و هم عیب نداشته شان را عیب سازی می کنند و فاش می کنند. یعنی هم غیبت می کنند و هم تهمت می زنند و هم مسخره می کنند و هم طعنه می زنند؛ یعنی طعنه زدن، مسخره کردن، غیبت کردن، تهمت زدن و... همه از مصادیق این هُمَزَه و لُمَزَه هست که انشاءالله ادامه باشد برای جلسه بعدی.

و صلی الله علی محمد و اله الطاهرین.